

مقدمه‌ای بر نظریه بانکداری اسلامی

محمد اسماعیل توسلی (نویسنده مسئول)

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

metavassoli@gmail.com

محمد مهدی مجاهدی مؤخر

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

m_mojahedi2004@yahoo.com

مرتضی خورسندی

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

mkhorsandi57@yahoo.com

چکیده

دو ویژگی اصلی بانکداری ربوی یکی انواع قراردادهای بدهی با نرخ بهره‌های ثابت و با تضمین اصل سرمایه و دیگری خلق پول اعتباری است. قانون پولی و بانکی سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر فقط به ویژگی ربوی بانک‌ها و بدون ربا کردن آن در قالب عقود مشروع و متنوع کردن آن‌ها برای تأمین اغراض سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات در بخش تجهیز و تخصیص منابع پرداخته‌اند و خلق پول اعتباری بانک‌ها مغفول و یا حق مسلم آن‌ها فرض شده است. این درحالی است که آن ویژگی که بانک را بانک می‌کند همین خلق پول اعتباری است. افزون بر مسئله خلق پول اعتباری پرسشی مطرح است مبنی بر اینکه آیا بانکداری کنونی و اصلاحات اخیر، که ادعا می‌شود نه تنها بدون ربا بلکه اسلامی است، تا چه اندازه واقعیت دارد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نشان خواهد داد، به خاطر حضور ربا و شبهه ربا از مسیرهای مختلف در بانکداری

• این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره ۲۱ تحقیقات بنیادین علوم انسانی منتشر شده است.

کنونی ایران، قانون بانکداری بدون ربا ی سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر در گام اول حرکت به سوی بانکداری اسلامی یعنی بازداشتن مردم از ارتکاب ربا ی آشکار است. با همه تلاش‌های انجام‌شده هنوز نتوانسته‌ایم گام لازم دوم را که بدون ربا کردن نظام بانکی است تکمیل کنیم و تا ورود به گام سوم، یعنی بانکداری اسلامی، راهی طولانی در پیش داریم. بانکداری اسلامی شاخصه‌هایی دارد که هر ترتیب قانونگذاری و نهادسازی باید از پس احراز و تأمین آن شاخصه‌ها برآید.

کلیدواژه‌ها: بانکداری ربوی، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی.

مقدمه

هم‌اکنون در سطوح عالی مجموعه نظام، بحثی تحت عنوان تغییر و تحول در نظام پولی، مالی و بانکی ایران در جریان است. پرسش اساسی این است که با کدام رویکرد و در چه سطحی می‌خواهند این کار را انجام دهند. آیا با همان رویکرد قانون بانکداری بدون ربا ی سال ۶۲، که تاکنون بر کشور حاکم بوده است، و در سطح اصلاحات رفرمیستی می‌خواهند این تغییرات را انجام دهند و بیش از آن را لازم نمی‌دانند؟ یا می‌خواهند رویکرد را تغییر دهند و با رویکرد اسلامی و در سطح تحول اساسی و همه‌جانبه آن را به سرانجام برسانند؟ مقدماتاً، دو ویژگی اصلی بانکداری متعارف غربی و اثرات آن یادآوری می‌شود، سپس توفیق قانون پولی و بانکی سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر در دوری جستن از این دو ویژگی طرح می‌شود. آنگاه اجمالاً به این پرسش پاسخ می‌دهیم که «آیا بانکداری کنونی و اصلاحات اخیر، که ادعا می‌شود نه تنها بدون ربا بلکه اسلامی است، واقعیت دارد؟». فرضیه بحث این است که ربا از مسیرهای مختلف در بانکداری کنونی ایران حضور دارد. قانون موجود و اصلاحات پیشنهادی اخیر نتوانسته‌اند مسیرهای حضور ربا و شبهه ربا در بانکداری کنونی را به اندازه قابل قبول مسدود کنند. به همین دلیل بسیاری از فقهاء و مراجع عظام بانکداری کنونی را، با وجود همه تلاش‌های انجام‌شده برای تحول آن، ربوی می‌دانند. این قانون هنوز گام اول حرکت به سمت بانکداری اسلامی، یعنی بازداشتن مؤمنان از ارتکاب ربا ی آشکار، را کامل پشت سر نگذاشته است. گام دوم، که شرط لازم حرکت به سمت بانکداری اسلامی است، بدون ربا کردن بانک‌هاست. گام دوم زمانی موفق است که مسیرهای احصاء شده حضور ربا و شبهه ربا را، که ذکر خواهد شد، مسدود کند. لذا هنوز تا ورود به گام سوم، یعنی بانکداری اسلامی، راهی طولانی در پیش داریم. زیرا، بانکداری اسلامی شاخصه‌هایی دارد که هر ترتیب قانونگذاری

و نهادسازی باید از پس احراز و تأمین آن‌ها برآید. در ادامه، تفصیل مباحث مطرح شده و مستندات آن‌ها را ذیل عناوین و ویژگی‌های اصلی بانکداری ربوی، قدرت اصلی آن، نقد قوانین پولی و بانکی کشور، دلایل حضور ربا و شبهه ربا در بانکداری کنونی و برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظام پولی و بانکی اسلامی پی می‌گیریم. دلایل و شاخصه‌ها را در معرض اندیشه‌وران اسلامی قرار دادیم تا آن‌ها را ارزیابی کنند و در رد یا تکمیل هریک از آن‌ها نظراتشان را ابراز دارند. امید است نتایج حاصله از شدت اختلاف نظرها بکاهد و نظام اسلامی را در رسیدن به نظام پولی و بانکی جایگزین، با تدوین و تصویب قوانین پولی و بانکی قابل پذیرش حداکثری، یاری رساند. باتوجه به متنوع بودن عناوین و موضوعات و نبودن طرح تعداد معتناهی از آن‌ها در اقتصاد اسلامی، ادبیات لازم هر کدام را که موجود بوده است به اختصار ذیل همان عنوان آورده‌ایم.

دو ویژگی اصلی نظام بانکی در رویکرد متعارف غربی

دو ویژگی اصلی نظام بانکی در رویکرد متعارف غربی یکی خلق پول اعتباری و دیگری انواع قراردادهای بدهی با نرخ بهره ثابت و تضمین اصل سرمایه است، در ادبیات اقتصاد اسلامی از آن با عنوان بانکداری ربوی یاد می‌کنیم. لازم به ذکر است، بسیاری از مشکلاتی که هم‌اکنون در بخش‌های مختلف اقتصادی مشاهده می‌کنیم ناشی از رفتار ناهنجار جامعه با پدیده مبارکی به نام پول به وجود آمده است. بشر با ابداع پول گرچه توانست از مشکلات عدیده نظام پایاپای رهایی یابد و با روان شدن معاملات افزایش چشمگیر رفاه را رقم بزند، اما همواره سرمایه‌داران رباخوار و دولت‌های در مانده در طول تاریخ - به هر شکلی که پول بوده - آن را به خدمت گرفته و بهره برده‌اند. سرمایه‌داران رباخوار از نیاز مردم، به واسطه مبادله عام بودن پول، بهره بردند و با دادن قرض ربوی، اموال و دارایی‌های مردم را به تدریج به ثروت خود افزودند و به نابرابری فاحش ثروت، که آثار ناهنجار اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی زیادی در جامعه برجا می‌گذارد، دامن زدند. دولت‌های در مانده هم هر زمان دچار کسری بودجه شدید می‌شدند راحت‌ترین راه را در انتشار پول اضافی می‌دیدند. حقیقت این عمل دستبرد در عیار پولی و ملاک سنجش ارزش است. انتشار پول اضافی به توزیع همه‌جانبه و کاهش شدید ارزش پول می‌انجامد. کاهش‌های متوالی ارزش پول آثار ناگوار و پیامدهای اقتصادی ناهنجاری بر توزیع درآمد، پس انداز، مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع، تصمیم‌گیری اقتصادی، بودجه دولت و تراز پرداخت خارجی برجا می‌گذارد.

با ظهور بانک‌ها در اقتصاد، این‌ها، هم از مسیر انواع قراردادهای ربوی همانند سرمایه‌داران رباخوار به نابرابری ثروت دامن زدند و هم همانند دولت‌ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری بدون ذخیره پیشینی یا از طریق بانکداری ذخیره جزئی با ذخیره پیشینی که در اختیارشان قرار گرفت، توزیع نابرابر ثروت را در جامعه دوچندان کردند. بانکداری ذخیره جزئی، که مشهور است از صندوق امانات بالمستراخ، بانکدار سوئدی، شروع شده، با خیانت در امانتی آشکار همراه بوده است. بالمستراخ به تجربه فهمید مردم به یکباره برای دریافت سکه‌هاشان، که به امانت گذاشته بودند، مراجعه نمی‌کنند؛ ضمن اینکه عده‌ای که از صندوق پول برداشت می‌کنند، عده‌ای دیگر به همان مقدار پول در صندوق به امانت می‌گذارند؛ لذا، اگر مقداری از این امانت را به دیگران وام بدهد و مقداری را احتیاطاً در صندوق نگه دارد مشکلی پیش نمی‌آید. صندوق امانی مذکور با این کار از بهره پول استفاده می‌کند، ضمن اینکه پس از مدتی اصل پول هم به صندوق برمی‌گردد. از اینجا بود که بانک‌ها پدیدار شدند. کار به همین جا ختم نشد. پس از مدتی بانک‌ها فهمیدند می‌توانند بدون سپرده پیشینی دو طرف ترازنامه خود را توسعه دهند؛ یعنی وام‌دهی کنند بدون اینکه این وام‌دهی مستلزم کاستن از حساب سپرده شخصی دیگر باشد؛ به محض اعطای وام نیز سپرده‌ای جدید به وجود می‌آید؛ و این یعنی خلق پول. نیاز به ذخایر می‌تواند متعاقباً به شکل پسینی اجابت شود.

قدرت اصلی بانک‌ها

در ادبیات متعارف اقتصاد به ماهیت واقعی بانک سه رویکرد مختلف واسطه‌گری مالی، بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی و رویکرد خلق اعتبار از هیچ مطرح است. در رویکرد مرسوم، بانک‌ها فقط واسطه‌های مالی‌اند. در این دیدگاه آغاز فرایند وام‌دهی با جمع‌آوری سپرده‌ها از اشخاص و پایان آن قرض دادن این منابع به اشخاص دیگر است. در رویکرد بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، بانک‌ها به صورت تجمعی خلق پول می‌کنند گرچه هر بانک به تنهایی واسطه‌گری مالی است که سپرده‌ها را جذب و آن‌ها را وام می‌دهد. دیدگاه سوم، که دیدگاه برتر دوران کنونی است، همانند دیدگاه ذخیره جزئی معتقد است نظام بانکی خلق پول می‌کند، ولی هریک از بانک‌ها به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ خلق می‌کنند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن ندارند (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵: صص ۱۷۹-۱۸۳؛ روحانی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۳).

به عقیده ما در بانکداری کنونی هر سه رویکرد با هم وجود دارد؛ زیرا، اگر رویکرد واسطه مالی

وجود نداشته باشد اعتماد به بانک‌ها و اعتبار یافتن آن‌ها در بین عموم مردم ایجاد نمی‌شود. در نتیجه نمی‌توانند از رویکردهای ذخیره‌جزئی یا خلقِ وام از هیچ استفاده و خلقِ پول کنند. اما مسئله مهم این است که بانک‌ها، در رویکرد واسطه‌وجوه، در آمدشان محدود به همان کارمزد است که نسبت کوچکی از نرخ بهره اسمی را تشکیل می‌دهد. اصل پول و درآمد بهره با کسر کارمزد متعلق به سپرده‌گذار است. در رویکرد ذخیره‌جزئی، خلقِ پول با ضریب فزاینده در چرخه بانکی اقتصاد رخ می‌دهد. در این رویکرد، بانک‌ها گرچه کل درآمد حاصل از نرخ بهره را مالک می‌شوند، اما اصل پول متعلق به سپرده‌گذار است که به امانت نزد بانک سپرده شده است و در قبال استفاده از خدمات حساب جاری هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. قدرت اصلی بانک‌ها از ناحیه رویکرد سوم و قدرت خلق پول اعتباری، بدون سپرده پیشینی، حاصل می‌شود نه از دو رویکرد قبلی. زیرا، در این رویکرد بانک کل درآمد حاصل از نرخ بهره و اصل پول وام داده‌شده را مالک می‌شود. بانک، در این حالت، برای متقاضی وام در حساب جاری اعتبار ایجاد می‌کند. متقاضی پس از مدتی اصل وام گرفته‌شده و بهره‌اش را، که حاصل دسترنج و تولید ارزش افزوده است، کامل با بانک تسویه می‌کند. ویژگی‌ای که بانک را بانک می‌کند همین ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است نه آن قراردادهای ربوی. در این رویکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه هم خلق پول می‌کنند و اگرچه بهره نمی‌گیرند، پس از مدتی مالک اصل پول می‌شوند. کدام تجارت این اندازه سود دارد؟ لذا درک این معنا، که چرا تقاضا برای تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه بالاست، دشوار نیست. باتوجه به سودهای کلان بانک‌ها و صندوق‌ها از این ناحیه، که حاصل ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است، بانک‌ها و صندوق‌ها به سرعت در سراسر جهان، به‌ویژه ایران، مثل قارچ روئیده و در حال مکیدن ثروت‌ها و ارزش افزوده‌های تولیدشده حاصل دسترنج مردم‌اند.

هر دو مسیر بانکداری، ذخیره‌جزئی و خلق پول اعتباری و قراردادهای ربوی، اگرچه ممکن است ایجاد ثروت کنند و موجب رشد و شکوفایی ظاهری اقتصاد شوند، در مرتبه توزیع به نابرابری توزیع ثروت در جامعه، به نفع صاحبان سرمایه و پول، می‌انجامند. این در حالی است که ناسازگاری این نوع توزیع ثروت با آموزه‌های اسلام از مسلمات است. علامه جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۹۳ب) از این اقتصاد با عنوان اقتصاد تکاثری، که مذموم است، یاد می‌کند. به فرمایش ایشان، ثروت مثل خون مملکت است، اگر خون فقط در یک بخش از اعضای بدن جریان داشته باشد بقیه اندام‌ها فلج می‌شوند. همان‌گونه که قرآن کریم در سوره حشر می‌فرماید این ثروت باید تداول بین الناس اجمعین داشته باشد، نه بین الأغنیاء منکم (حشر: ۷).

قانون بانکداری بدون ربا و اشاره به برخی از مهم‌ترین اشکالات آن

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با تدوین قانون بانکداری بدون ربا، که حقیقتش پذیرش بانکداری ذخیره‌جزئی و مشروعیت خلق پول اعتباری است، فقط به اصلاح شاخصه ربوی بودن نظام بانکی متعارف، با معرفی تعدادی عقود شرعی در بخش تجهیز منابع بانکی و تخصیص آن، پرداختند. در بخش تجهیز منابع بانکی، ماهیت حقوقی سپرده جاری را، که امانت بوده است، به صورت سپرده قرض الحسنه معرفی کردند. با این کار دست بانک‌ها را در خلق پول اعتباری بیشتر باز گذاشتند. در بخش تخصیص منابع هم، تعدادی عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت با تضمین اصل سرمایه و عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر را جایگزین کردند. با توجه به اینکه تدوین این قانون مردم مسلمان را از ارتکاب ربای آشکار حفظ کرده است در ظرف خودش قابل تقدیر بوده است، اما تا بانکداری براساس شاخصه‌های اسلامی فاصله زیادی دارد. آثار اقتصادی بانکداری بدون ربا مذکور هیچ تفاوتی با بانکداری متعارف غربی نداشته است و در این سی و اندی سال، براساس مشاهدات محسوس همگان، به توزیع بسیار نابرابر ثروت در دست تعداد اندکی از افراد حقیقی و حقوقی جامعه انجامیده است.^۱

در دوده‌های اخیر، تعداد دیگری از اندیشه‌وران اسلامی، با همان رویکرد سابق و پذیرش بانکداری ذخیره‌جزئی و مشروعیت خلق پول اعتباری، به آسیب‌شناسی قانون بانکداری بدون ربا و اصلاح آن قانون پرداختند (موسویان، ۱۳۸۶: صص ۳۶-۹؛ موسویان و میثمی، ۱۳۹۶: صص ۳۲۲-۳۱۱). ایشان، با بازتعریف نظام بانکی و تغییر ماهیت حقوقی، برخی از اجزای تجهیز منابع، به خصوص تفکیک حساب جاری از حساب قرض الحسنه و افزودن و معرفی تعدادی عقود شرعی جدید برای پوشاندن اغراض گوناگون متقاضیان تسهیلات، کمک شایانی به تکمیل قانون بانکداری بدون ربا پیشین کردند. این اصلاحات گرچه لازم است، اما در حقیقت بانکداری متعارف، که ویژگی اصلی اش خلق پول اعتباری و انواع قرض با نرخ بهره ثابت با تضمین اصل سرمایه و بطنش اقتصاد تکاثری و توزیع نابرابر ثروت است، هیچ تغییر اساسی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به تثبیت آن نظام، البته این بار با توجیحات شرعی مقبول‌تر، می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین و اسف‌انگیزترین اتفاقاتی که در این اصلاحیه رخ داده این است که ماهیت مسلم حقوقی حساب جاری را که امانت

۱. بنا به گفته دکتر خاندوزی، مدیر دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، هم‌اکنون ۸۵ درصد ارزش سپرده‌های بانکی متعلق به ۲/۵ درصد سپرده‌گذاران است (خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۸۱۷۴۸۶، تاریخ انتشار: ۲۷ تیر ۱۳۹۷).

است، با مسلم فرض کردن باز بودن دست بانک‌ها در استفاده از وجوه امانی حساب جاری، به ماهیت حقوقی قرض بدون بهره تحمیل کردند. با اینکه روشن است در سپرده‌های جاری نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند و هدف سپرده‌گذار از این حساب سامان‌دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است، بقیه استدلال‌های خودشان را هم براین اساس بنا نهادند و دیدگاه‌های مخالفین را نقد کردند.

این اندیشه‌وران هدف بانک را، که کسب سود از این وجوه امانی است، حق مسلم او فرض کردند. آیا با پذیرش خیانت در امانت پالمستراخ، که در طول تاریخ رخ داده، و به وجود آمدن بانکداری مرکزی در حمایت از نظام سرمایه‌داری و اقتصاد تکاثری، با راهکار ذخیره‌جزئی احتیاطی برای حمایت از عدم شکست آن‌ها، که بارها در تاریخ اتفاق افتاده است، ماهیت حقوقی حساب امانی با اجازه گرفتن از صاحبان حساب‌ها قابل بازتعریف به قرض بدون بهره است؟ به نظر می‌رسد توزیع بسیار نابرابر ثروت از این مسیر، که از آثار مسلم اقتصادی آن است، از نظر پیشنهاددهندگان اصلاحات مغفول مانده است. خطب بزرگ دیگری که در بانکداری ما رخ داد این بود که سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت را هم عندالمطالبه و سودهایش را روزشمار کردند، در نتیجه این حساب‌ها هم، مانند حساب جاری، بستر خلق پول بانکی شدند و البته با شدت بسیار بیشتر چون حجم و سهم سپرده‌های بلندمدت، در حجم نقدینگی کشور، قابل قیاس با بقیه سپرده‌ها نیست. اتفاق دیگری که در اصلاحات پیشنهادی رخ داده افزایش معتنا به تعداد عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت و تضمین اصل سرمایه است، بانک‌ها در عمل نشان دادند که گرایش شدیدی به استفاده از این عقود دارند و طی سال‌های گذشته عقود مشارکتی واقعی نقش کمرنگی در نظام بانکی داشته است. گرچه اخیراً همین عقود مشارکتی، با شروط خارج لازم، به صورت ثابت با تضمین اصل سرمایه درآمده و موجب افزایش گرایش به استفاده از این عقود مشارکتی غیر واقعی شده است (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳: صص ۳۳۲ و ۳۳۳). با توجه به اینکه تدوین این قانون مردم مسلمان را از ارتکاب ربای آشکار حفظ می‌کند، در ظرف خودش قابل تقدیر است. به هر حال می‌توان اثبات کرد، علیرغم مفاد قانون بانکداری بدون ربای ایران و اصلاحات پیشنهادی اخیر، که ادعا می‌شود موارد شبهه‌ربا را در آن به حداقل رسانده‌اند، به دلایل زیر هنوز مسیرهای مختلف ربا و شبهه‌ربا در بانکداری ایران وجود خواهد داشت و در این قوانین و اصلاحات پیشنهادی به آن‌ها توجه نکرده‌اند و یا به طور مبنایی به آن‌ها نپرداخته‌اند.

دلایل حضور ربا و شبهه ربا در بانکداری کنونی ایران یک.

روش محاسبه سود و اقساط، چه روش مرابحه ساده و چه روش مرابحه مرکب که در بانکداری ایران هم اکنون استفاده می‌شود، همان فرمول جهانی است که مبنای نظری اش بر زیاده در برابر امهال دین استوار است و زیاده در برابر تمديد مهلت دین ربای مسلم است. حتی در برخی از قراردادهای بانکی به استفاده از فرمول جهانی به صراحت اشاره شده است؛ زیرا، دیون در بازار پولی و بانکی متعارف کوتاه مدت و یک ساله است و پس از یک سال آنچه باقی مانده است مجدد با نرخ بهره محاسبه می‌شود و همین طور سال به سال تا اصل و فرع کاملاً تسویه شود. در این صورت، اگر هم قرارداد در ابتدا صورت شرعی داشته، اما برای سال‌های بعد فقط زیاده در برابر تمديد مهلت بازپرداخت دین است. افزون بر اینکه این گونه زیاده گرفتن مصداق «اضعافاً مضاعفة» آیه شریفه ۱۳۰ سوره آل عمران است. اصل آیه این است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». استاد مطهری بحث مرابحه مرکب را ذیل این آیه شریفه مطرح می‌کند. وی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۴: ص ۳۳۱) می‌گوید، مقصود از «اضعافاً مضاعفة» ربح مرکب است و در اینجا دو احتمال است:

۱. اینکه مراد قرض با ربح مرکب باشد، یعنی اینکه از خود ربح هم ربح گرفته شود. در این صورت ربا خودش ضعف و یا اضعاف اصل مال است و ربا گرفتن از ربا مضاعف کردن اضعاف اصل است.
۲. اینکه مراد از کلمه «مضاعفة» منضمه الی الاصل باشد، یعنی کلمه «مضاعفة» تجرید از معنی تضعیف شده است، مثل: من اذنب ذنباً و مثل: يضاعف لها العذاب ضعفين.

دو.

اگر کسی بخواهد عقود مبادله‌ای را، که نرخ سود ثابت با تضمین اصل سرمایه به دنبال دارند، بر پایه قاعده فقهی «للاجل قسط من الثمن» استوار کند، می‌گوئیم برای این قاعده مستند فقهی قوی‌ای ارائه نشده است، در حالی که هر قاعده فقهی باید حداقل به یکی از منابع فقه، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع، مستند شده باشد. ابتدا علامه حلی (ره) در یک مسئله خاص آن را به کار برده و بعدها بدون اثبات با ادله قرآنی و روایی در لسان دیگر فقها مشهور شده است. استاد مطهری به استناد به این قاعده حمله شدید می‌کند. وی می‌گوید: از روایات منع بیع النقد و النسيئه صفقة

استفاده می‌شود که هر جا برای مدت زیاده‌ای منظور شود ربا است (همان: ص ۳۰۸).

۱. قال امیر المؤمنین علیه السلام: مَنْ بَاعَ سِلْعَةً فَقَالَ: إِنَّ ثَمَنَهَا كَذَا وَ كَذَا يَدًا بِيَدٍ وَ ثَمَنَهَا كَذَا وَ كَذَا نَظْرَةً فَخَذَهَا بِأَيِّ ثَمَنٍ شِئْتَ، وَ جَعَلَ صَفَقَتَهُمَا وَاحِدَةً فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا أَقْلُهُمَا وَ إِنْ كَانَتْ نَظْرَةً.

۲. عن جعفر عن ابیه عن أبائه علیهم السلام: أَنْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَضَى فِي رَجُلٍ بَاعَ بَيْعًا وَ إِشْتَرَطَ شَرْطَيْنِ: بِالْتَّقْدِ كَذَا وَ بِالنَّسِيءِ كَذَا، فَأَخَذَ الْمَتَاعَ عَلَى ذَلِكَ الشَّرْطِ. فَقَالَ: هُوَ بِأَقْلِ الثَّمَنِ وَ أَبْعَدِ الْأَجَلَيْنِ. يَقُولُ لَيْسَ لَهُ إِلَّا أَقْلُ التَّقْدِينِ إِلَى الْأَجَلِ الَّذِي أَجَلَهُ بِنَسِيئَةٍ (همان: ص ۳۶۱).

به گفته استاد مطهری، از نظر متأخرین فقها، مانند شهید ثانی در شرح لمعه، و همچنین از عبارت فوق برمی‌آید که چنین فرض شده که ربا عبارت است از «زیاده احد المثلین» بر دیگری به مقدار حقیقیه یا حکماً و علت اینکه «بیع متمثلین نسینه» جایز نیست این است که «للاجل قسط من الثمن»، همچنان که در شرح لمعه و همچنین در ریاض نیز این مطلب تصریح شده است. به عقیده استاد مطهری اشتباه بزرگ همین است (همان: ص ۴۱۹). در این طرز بیان، به اصطلاح منفعت داشتن پول، که یکی از ارکان رژیم سرمایه‌داری است، مفروض شده است و فرض شده که با اینکه پول فی حد ذاته منفعت مشروع دارد ولی شارع به ملاک و مصلحت دیگری جلو این منفعت مشروع را گرفته است. در واقع این آقایان تصدیق کرده‌اند که «إنما البیع مثل الربا»، ولی می‌گویند در عین مثلثیت، لا اقل از نظر مشروعیت منافع، خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است؛ در صورتی که از هیچ روایتی استفاده نمی‌شود که للاجل قسط من الثمن، از هیچ روایتی استفاده نمی‌شود که علت حرمت ربا النسینة زیاده حکمی طرف نقد است. وی آنگاه ایرادهای سه‌گانه‌ای را به شرح زیر برای این طرز استنباط فقها می‌گیرد: «اگر این چنین باشد که در ربا النسینة زیاده حکمیه است پس باید، اگر در طرف نسبه مبلغی افزوده شود که معادل با مدت باشد، مانعی در کار نباشد. ثانیاً، به عقیده فقها تعادل و تماثل باید در مقدار باشد و کاری به قیمت ندارد. پس چگونه در اینجا به چیزی تمسک می‌کنند که مربوط به ارزش است یعنی اجل و مدت؟ و ثالثاً، لازمه قول فقها این است که اگر کسی بخواهد جنس ربوی خود را به مدت بدون منافع در اختیار کسی بگذارد و در رأس مدت مثل آن را پس نگیرد ولی به صورت معامله آن را انجام دهد، به دلیل ربا جایز نباشد و حال اینکه این خود عین اصطناع معروف است و باید بپذیریم که شارع به نام ربا جلو اصطناع معروف را گرفته است و این از اعجاب عجایب است. به عقیده ما علت حرمت

ربای معاملی نسبیته حتی در صورت تماثل مقداری این است که ربای قرضی را به این صورت در نیاورند» (همان: ص ۴۲۰).

البته توجه داریم که در بیع نسبیته در جایی که ثمن و مثن از یک جنس نباشند، آن مقدار از زیاده، که در نظر عرف برای بیع نسبیته اجحاف نبوده و معمول است، از نظر شرع هم پذیرفته شده است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد این است که چه در بیع نقد و چه در بیع نسبیته عمل بیع دفعی است. به این معنا که با بیع دفعتاً می‌گوید فلان کالا قیمتش ده هزار تومان است و اگر شخص بخواهد نسبیته بخرد فروشنده می‌گوید قیمتش مثلاً یازده هزار تومان می‌شود. در این حالت دو صفتقه است. اصل بر فروش نقدی است و همانطور که فروشنده برای همین فروش نقدی می‌تواند قیمت‌های مختلفی اعلام کند، و این همان بیع سوّم است که در شرع ممدوح است، پس برای فروش به صورت نسبیته هم می‌تواند قیمتی بالاتر از نقد اعلام کند. با این تحلیل لزومی برای تمسک به قاعده به ظاهر معروف‌شده «للاجل قسط من الثمن» برای توجیه زیاده در بیع نسبیته نیست. در نتیجه مبنای نظری محاسبه زیاده و اقساط، چه به روش مباحه ساده و چه روش مباحه مرکب، در اقتصاد اسلامی مردود است. لذا، برای محاسبه زیاده در عمل دفعی بیع نسبیته باید از ریاضی دان‌ها کمک گرفت و روش محاسبه دیگری پیشنهاد داد.

سه.

قانون بانکداری بدون ربای سال ۶۲ و قانون اصلاحی پیشنهادی اخیر نتوانست تغییری اساسی در ماهیت بانکداری ربوی متعارف و اغراض سپرده‌گذار و بانک و متقاضی ایجاد کند. اغراض هر یک از اطراف در بانکداری معمول، که همان تضمین اصل سرمایه و نرخ سود یا بهره ثابت باشد، سرچایش هست. در حالی که براساس قاعده «العقود تابعة للقصد» می‌توان ثابت کرد که بسیاری از عقودی که در این قانون و اصلاحات پیشنهادی اخیر تعریف شده است از قصود اطراف قرارداد تبعیت ندارد. مثلاً در سپرده جاری، همانطور که پیش‌تر بیان شد، نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند. هدف سپرده‌گذار از این حساب سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است و هدف بانک بهره‌برداری از این وجوه امانی و کسب سود است (احمدی و حسینی، ۱۳۹۳: صص ۲۱۳-۱۴۳).

طبق قاعده «العقود تابعة للقصد»، اگر طرفین عقد، به هر دلیلی، الفاظ عقد را در قالب ایجاب و قبول جاری کرده باشند، بدون اینکه قصد انعقاد آن را داشته باشند، عقد منعقد نمی‌شود

و باتوجه به اینکه طرفین معامله قصد انشاء معامله واقعی را نداشته‌اند این معامله صوری و باعث ورود ربا و یا باطل شدن معاملات می‌شود. براساس نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، صوری شدن عقود بانکداری اسلامی هم در عمل و هم در ذهنیت مشتریان و کارکنان بانک بسیار بالاست (مثلاً: شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵). در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره عقود بانکی تصریح شده است که اکثر عقود بانکی در شعب صوری و غیرواقعی منعقد می‌شود (روحانی و بنی طبا، ۱۳۹۵: ص ۹). به گفته یکی از اعضای شورای فقهی بورس، در پژوهشی که به مدت دو سال در چند بانک مختلف انجام گرفت مشخص شد که حدود ۸۵ درصد قراردادهای بانکی غیرواقعی است و مطابق با موازین عقود شرعی نیست (معصومی‌نیا، ۱۳۹۶).

چهار.

طرفداران قانون بانکداری بدون ربا و اصلاحات اخیر ادعا می‌کنند، این عقود موضوعاً از ربا خارج‌اند، چون پس از انجام این عقود، موضوع ربای حرام تحقق نمی‌یابد. در پاسخ می‌گوییم، بیشتر کسانی هم که حیله‌های ربا را تجویز می‌کنند همین استدلال را می‌آورند و قائل‌اند انجام حیله باعث خروج موضوعی می‌شود، چون پس از انجام حیله، موضوع ربای حرام تحقق نمی‌یابد. اما حقیقت این است که انجام حیله در همه موارد نمی‌تواند باعث خروج آن از تحت موضوع ربا شود و موضوع ربا پس از انجام حیله نیز باقی است و همان مفسد را دربر دارد. آثار اقتصادی و غیراقتصادی این بانکداری با بانکداری ربوی هیچ تفاوت ماهوی نداشته است و به توزیع نابرابر ثروت در دست تعداد اندکی از افراد حقیقی و حقوقی جامعه و دیگر حکمت‌های تحریم ربا، از قبیل ظلم، فساد، ترک تولید، کینه‌ورزی و ترک احسان، انجامیده است. لذا می‌توان گفت قانون کنونی حداکثر قانون بانکداری حیل رباست. زیرا، همانند فرایند حیله‌های ربا، در ذیل قانون بانکداری کنونی هم، شخص برای فرار از حرمت ربا می‌کوشد از طریق بعضی از معاملات و عقود که ظاهری شرعی دارند به هدف اصلی خود، که همانا دریافت زیادی است، دست یابد. گرچه از برخی از فقها جواز حیله شرعی داریم، اما بسیاری از فقها جواز حیله شرعی را به جایی محدود می‌کنند که ناقض غرض و مقصود شارع در تشریح یک حکم نباشد. از میان فقیهان معاصر، فقیهی که به شدت با مقوله حیله به مقابله پرداخت، و حتی صریح‌تر و جامع‌تر از پیشینیانی مثل محقق اردبیلی و وحید بهبهانی تمامی حیله‌های رایج در باب ربا را در دو قسم ربای فرضی و معاوضه‌ای نامشروع و غیر جایز اعلام کرد، امام خمینی (ره) است. ایشان می‌گوید: «با این همه سختگیری و

مخالفت‌های شیعه و سنی از طریق قرآن و سنت بارها، که مثل آن را در سایر گناهان کم می‌دانند، و با آن همه مفساد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که اقتصاددانان برای آن برمی‌شمرند، چگونه ممکن است به‌وسیله حیل‌های شرعی حلال شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: صص ۵۴۰ و ۵۴۱). ضمن اینکه قضاوت عرف در مورد حیل‌های ربا این نیست که یک معنون دو عنوان دارد، یکی بیع و یکی ربا، بلکه عرف می‌پذیرد که بعد از انجام حیل، ما با دو عقد خارجی روبرو هستیم، که هر کدام عنوان جداگانه‌ای دارند، لیکن عرف می‌گوید، قبل و بعد از به‌کارگیری حیل، نتیجه فرقی نمی‌کند و همان زیادی حرام منتقل می‌شود، از نظر عرف این معامله رباست (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶).

پنج.

جریمه تأخیر دین، به اسم وجه التزام، به‌طور گسترده در جریان است. به فتوای بسیاری از مراجع اخذ این جریمه حرام است.^۱ بنابر برخی گزارش‌ها در یکی از بانک‌ها درآمد حاصل از جریمه دیرکرد بیش از ۵۴ درصد درآمد کل بانک را تشکیل داده است.^۲ برخی معتقدند با زیر سؤال بردن قید وجه التزام در قراردادهای بانکی، آن هم بدون ارائه راهکار عملیاتی و جایگزین آن، نظام بانکی و اقتصادی کشور مختل می‌شود و حجم بسیار بالای مطالبات معوق بانک‌ها - آن هم با وجود وجه التزام - جای تأسف دارد و باید فاتحه بانک‌ها را خواند. به گفته ایشان مهم‌ترین مشکل شبکه بانکی کشور، در حال حاضر، مقوله مطالبات معوق است (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ص ۳۸۹). در واقع آمارها نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳، برای کل شبکه بانکی، به ۱۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است.

۱. حضرت امام خمینی، آیت‌الله العظمی بهجت، آیت‌الله جوادی آملی و مراجع و بزرگان دیگر حوزه از جمله حضرات آیات سیستانی، وحید خراسانی و صافی گلپایگانی در پاسخ به استفتائات مقلدان یا در سخنان خصوصی یا عمومی، اخذ جریمه دیرکرد را غیراسلامی و غیرشرعی دانسته‌اند. و مراجع دیگر به جواز آن در صورت شرط ضمن عقد خارج لازم قائل شده‌اند.

۲. به گزارش گروه اقتصادی خبرگزاری دانشجو، خراسان نوشته است: این روزها بانک‌ها از جریمه دیرکرد مشتریان روزگار خود را سپری می‌کنند. بررسی آخرین صورت‌های مالی بانک تجارت نشان می‌دهد که این بانک بیش از ۵۴ درصد کل درآمد خود را مدیون جریمه دیرکرد است. با این حال، تجارت تنها بانکی نیست که از جریمه دیرکرد ارتزاق می‌کند، بلکه سایر بانک‌ها نیز کم‌وبیش به جریمه دیرکرد وابسته‌اند و این یعنی بازی باخت - باخت بین مشتریان و بانک‌ها (تاریخ انتشار: ۱۰/۱۰/۰۲ اسفند ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۸۶۶۳۷، خبرگزاری دانشجو).

درحالی که این رقم براساس استانداردها و عرف بین‌المللی باید بین سه تا چهار درصد باشد. پاسخ ما به ایشان این است که اولاً، همان‌گونه که فرموده‌اند، باوجود وجه التزام، بانک‌ها حجم بالایی از مطالبات معوق دارند، پس وجه التزام هم نتوانست غرض بانک‌ها را محقق کند. ثانیاً، همین وجه التزام در ذات خودش حجم عظیم از معوقات را به دنبال می‌آورد. زیرا، در تسهیلات، به‌خصوص میلیاردری و در زمان رکود، هنگامی که از پس بازپرداخت قسط‌ها برنیایند و جریمه تأخیر هم بر آن اضافه شود دیگر شخص به‌هیچ‌وجه قدرت بازپرداخت ندارد و بالکل منکر می‌شود. ثالثاً، با این شیوه‌ای که الآن بانک‌ها وجه التزام می‌گیرند مفسده‌ای که از این ناحیه برای گیرندگان تسهیلات پیش آمده کمتر از مفسده معوقات برای بانک‌ها نیست. رابعاً، بانک‌ها برای حفظ سرمایه‌های خودشان می‌توانند از روش‌های کیفی و حقوقی، که تجربه هم شده‌اند، استفاده کنند و دست بسته نیستند.

حال سؤال اینجاست «آیا با تغییرات شکلی و رفرمیستی مشکلات غیرشرعی بانک‌ها حل می‌شوند؟» پاسخ منفی است؛ زیرا، مشکل اصلی از ساختار و ریشه بانک نشأت می‌گیرد. حتی اگر قانون هم کاملاً درست باشد، ماهیت بانکداری متعارف اقتضاء می‌کند قراردادها صوری شود و از این ناحیه در عمل ربا رخ دهد. چون در قسمت تجهیز منابع سود ثابت و تضمین شده می‌پردازد، لذا نمی‌تواند در سمت تخصیص منابع سود مشارکتی غیرثابت و ریسکی دریافت کند. بنابراین، باتوجه به ماهیت واقعی بانک، به‌خصوص در مورد خلق پول، باید رویکرد متعارف کنونی را تغییر دهیم و با رویکرد اسلامی و در سطح تحول اساسی و همه‌جانبه تغییر و تحول نظام بانکی را، براساس شاخص‌های نظام پولی و بانکی اسلامی که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را در ذیل یادآور می‌شویم، به سرانجام برسانیم. لازم به ذکر است که زدودن ربا فقط یکی از شاخصه‌های نظام پولی و بانکی اسلامی و صد البته مهم‌ترین آن‌هاست.

برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظام پولی و بانکی اسلامی

۱. زدودن ربا و شبهه ربا از ساحت نظام پولی و بانکی

مسئله ربا از سوی خداوند شدیداً نهی شده است، به‌صورتی که رباخوار را مانند کسی که به جنگ خدا و پیامبر (ص) رفته است معرفی می‌کند (بقره: ۲۷۹-۲۷۸). علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۷۹ سوره بقره معتقد است شدتی که خداوند درباره مسئله ربا و رباخواری به کار برده، درباره هیچ‌یک از فروع دین، غیر از تبری از دشمنان خدا، به کار نبرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج

۲: ص ۴۰۹). ربا و رباخواری در روایات نیز شدیداً نکوهش شده است. در این متون رباخوار، ربا دهنده، کاتب قرارداد ربا و شاهد قرارداد را مشمول لعن خداوند دانسته‌اند. بر پایه این احادیث ربا از مهم‌ترین گناهان کبیره و رباخواری از پلیدترین مشاغل معرفی شده است. پیامبر اسلام (ص) گناه یک درهم ربا را مساوی هفتاد بار زنا دانسته‌اند و در دیگر روایات، رباخوار تشبیه به کسی شده که با محارمش زنا کرده است (شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۹: ص ۵۱). در متون حدیثی، آثار منفی اخلاقی فراوانی برای رباخواری شمرده شده است که توجه به آثار زیانبار آن می‌تواند در مبارزه با اخلاق بسیار زشت رباخواری تأثیر شگرفی داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین اغراض شارع برای حرمت ربا جلوگیری از اثر منفی اقتصادی توزیع ناعادلانه ثروت در سطح کلان جامعه است. همان‌گونه که علامه طباطبایی (ره)، در تفسیر المیزان، مهم‌ترین فلسفه اقتصادی حرمت ربا را اثر آن بر توزیع نابرابر ثروت در سطح کلان جامعه و از این ناحیه ظلم دانسته است. وی می‌گوید: «علت حرمت ربا در خود آیه ۳۹ سوره روم آمده است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللَّهِ، وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»». وی ربا را عبارت دانسته از زیاد شدن اموال مردم و ضمیمه کردن اموال دیگران به مال افرادی انگشت‌شمار، همان‌طور که تخم گیاه موادی را از زمین برای تغذیه می‌گیرد و ضمیمه خود می‌کند و بزرگ می‌شود، رباخوار اموال مردم را ضمیمه مال خود می‌کند، لذا از مال مردم کم و به مال او افزوده می‌شود، تا جایی که اکثریت مردم نهی دست می‌شوند و رباخوار صاحب اموالی متراکم می‌شود. با این بیان روشن می‌شود که مراد از جمله: «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ، لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ...» این است که نه شما به مردم ظلم کنید و نه از طرف مردم یا از ناحیه خدا به شما ظلم شود، پس ربا ظلم به مردم است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲: ص ۴۳۳). در این سی و اندی سال پس از انقلاب اسلامی، براساس مشاهدات محسوس همگان، آثار به شدت منفی اقتصادی بانکداری بدون ربا، مذکور، از حیث توزیع ناعادلانه ثروت، هیچ تفاوتی با بانکداری متعارف غربی نداشته است و به توزیع بسیار نابرابر ثروت در دست تعداد اندکی از افراد حقیقی و حقوقی جامعه انجامیده است.

۲. گردش عادلانه ثروت بین همه مردم

همان‌گونه که قرآن کریم در سوره حشر آیه ۷ می‌فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ: «آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا، خدا سخت کیفر است» (ترجمه انصاریان). علامه جوادی آملی، در پیامی به همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین و در تفسیر این آیه شریفه، می‌فرماید: «مال که ستون است باید خیمه‌ای را بر فراز خود افراشته نگه دارد که بتوان همه ملت را زیر پوشش این خیمه نگه داشت، لذا خداوند فرمود: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ دولت را دولت گفتند، چون تداول می‌شود؛ این تداول و این ثروت که دست‌به‌دست هم می‌گردد نباید در یک منحنی محدود دور بزند، باید در کل این مدار ۳۶۰ درجه بگردد؛ مثل خونی است که باید جریان داشته باشد و اگر در یک منحنی خاص بگردد، بقیه از جریان این خون محروم باشند فلج هستند؛ ملت فقیر فلج است، ملتی که جیبش خالی است، کیفش خالی است، تهیدست است، بدهکار است، مدیون است فلج است و ملت فلج قدرت قیام ندارد، چه رسد به مقاومت. نظام تلخ کاپیتال غرب این‌طور است که «دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ نظام فروریخته سوسیال شرق از همین قبیله است که دولت‌سالاری است و ثروت دست دولت‌هاست، اما ملت از ثروت ملی محروم هستند؛ در نظام سوسیال شرق، دولتی ثروت را به دولت دیگر منتقل می‌کند می‌شود: «دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ». در نظام سرمایه‌داری کاپیتال غرب، ثروت و دولت را از دست یک سرمایه‌دار به دست سرمایه‌دار دیگر منتقل می‌کنند، این هم می‌شود: «دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ اینکه گفتند ۹۹ درصد در برابر یک درصد، ممکن است بخشی از این‌ها اغراق و مبالغه باشد؛ ولی این خطر هست که اکثریت از آن دولت کلان طرفی نبستند. پس برابر سوره «نساء» ثروت ملت ستون آن ملت است و برابر سوره «حشر» ثروت ملت خون ملت است، اگر این ستون زیر سقف باشد، همه را پوشش می‌دهد و اگر خون در تمام جامعه جریان داشته باشد، هر کسی به اندازه ظرفیت و استعداد خود بتواند از آن طرفی ببندد، این جامعه سرپا و زنده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۳ الف).

به فرمایش علامه جوادی آملی، در مصاحبه‌ای به مناسبت بررسی الگوی پیشرفت اسلامی، با نشریه همشهری: «ثروت مثل خون مملکت است اگر خون فقط در یک بخش از اعضای بدن جریان داشته باشد، بقیه اندام‌ها فلج می‌شوند. همان‌گونه که قرآن کریم در سوره حشر می‌فرماید این ثروت باید تداول بین الناس اجمعین داشته باشد، نه بین الأغنیاء منکم. ذات اقدس الهی گفته

مبادا این ثروت، فقط در دست یک گروه خاص قرار گیرد. باید در بین مردم دور بزند و به دست همه برسد. در توسعه پایدار همه‌جانبه، اگر تسهیلات بانکی است، باید برای همه باشد. اگر وام است، برای همه باشد. اگر کارشناسی و کاردانی است، باید برای همه باشد. این می‌شود توسعه پایدار همه‌جانبه ممدوح محمود شرعی. اسلام هرگز با این مخالف نیست، بلکه موافق هم هست. پس شاخصه مهم این است که ثروت باید مانند خون بین همه مردم دور بزند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳ب). لذا، طراحی نظام گردش ثروت باید به گونه‌ای صورت گیرد که از انباشت ثروت میان طبقاتی خاص جلوگیری کند و به توده‌های مردم توسعه یابد.

۳. حاکمیت قاعده عدم اکل مال به باطل در تمام ترتیبات نظام پولی و بانکی

از قواعد مهم و کاربردی فقه قاعده «اکل مال به باطل» است. این قاعده در متون حقوقی با عناوینی از جمله «دارا شدن بدون جهت»، «دارا شدن غیر عادلانه» یا «استفاده بدون جهت» بیان شده است. این قاعده قاعده‌ای کلی است که تمامی تصرفات در مال غیر و در نتیجه دارا شدن بدون سبب شرعی و قانونی (دارا شدن باطل و حرام) را دربر می‌گیرد. اکنون پرسش این است که خلق پول اعتباری توسط بانک‌ها آیا مصداق اکل مال به باطل است یا نه؟ با این همه آثار عظیم اقتصادی و توزیعی که برای مسئله خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری وجود دارد هنوز تکلیف فقهی‌اش روشن نشده است. این امر می‌تواند ناشی از اختلاف نظرهای اندیشه‌وران اسلامی در دو مسئله باشد:

۱. ابهام در شناخت موضوعی چیستی پول اعتباری مخلوق بانک، یا به تعبیر صحیح‌تر، خلق اعتبار توسط بانک‌های تجاری با استفاده از ذخیره جزئی، از حیث فلسفی و عنوان حقوقی است.

۲. اختلاف نظرهایی در مشروعیت یا عدم مشروعیت فقهی آن با توجه به ماهیت موضوع و یا معیاری و با توجه به آثار اقتصادی و توزیعی آن در جامعه.

لذا یکی از مسائلی که هر چه زودتر باید تکلیفش در فقه روشن شود مسئله خلق پول اعتباری بانک‌ها یا به تعبیر صحیح‌تر خلق اعتبار توسط بانک‌های تجاری است. با توجه به اینکه بحث از ماهیت و چیستی خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری در ادبیات اقتصاد اسلامی بسیار جدید است و فهم حقیقت آن با مباحث ماهیت ادراکات اجتماعی و امور اعتباری در فلسفه، فقه، اصول فقه و نیز اقتصاد گره خورده است تا الآن اجماعی قابل قبول راجع به آن پدید نیامده است.

به اعتقاد برخی از اندیشه‌وران اسلامی (موسویان، ۱۳۹۶) خلق پول اعتباری بانک‌ها پدیده‌ای جدید و جزو مباحثی است که باید به شیوه معیاری بررسی شود نه موضوعی. بدین صورت که اگر اقتصاددانان اثبات کنند در خلق پول بانکی مفسده‌ای نیست و به مصلحت جامعه و اقتصاد کشور است، خلق پول بانکی ایرادی ندارد، اما اگر مفسده آن را اقتصاددانان اثبات کنند، اشکال دارد و اما بحث اعتبار از هیچ، در فقه، پیش از بحث بانکداری در بحث‌های مشارکت مطرح است که به آن مشارکت در وجوه می‌گویند. بعضی از افراد در بازار بودند که اصطلاحاً وجهه داشتند، اعتبار داشتند. چنین فردی بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد، با همان اعتبارش، می‌رفت از تاجری جنس می‌خرید؛ بعد آن را می‌فروخت، پولش را می‌برد پس می‌داد. آنچه که فقها اشکال گرفتند، مشارکتش است. معامله خودش اشکال ندارد، اما اینکه کسی بگوید اعتبار از تو کار از من، اما مشارکت وجوه بخواهد پیش بیاید، به خاطر غری بودن می‌گویند اشکال دارد. اما شخصی دارد با اعتبار خودش کار می‌کند، هیچ چیز ندارد و کار می‌کند، عیبی ندارد. می‌گوییم بانک اسلامی ابزاری پیدا کرده، می‌تواند بخرد ولو آنکه منابعی نه از خودش دارد نه منابع سپرده‌ای دارد، اما اعتبار دارد. چک بکشد، مواد اولیه را از فروشنده بخرد، به صورت مراحه به این کارخانه‌دار بفروشد.

یکی از کارشناسان اقتصاد اسلامی در نقد این دیدگاه می‌گوید: «مثالی که این افراد می‌زنند و با خلق پول تناسب دارد این است که در قدیم افرادی بودند که براساس اعتباری که داشتند، کالایی را در بازار می‌گرفتند. سپس آن را می‌فروختند و پول را پس می‌دادند. در واقع، با اعتبار از هیچ خلق ثروت می‌کردند. این دقیقاً مثالی است که مدافعان خلق پول می‌زنند، اما توجه نمی‌کنند که اولاً آن شخص کالایی را گرفته است و پول جدیدی را همانند خلق پولی که الآن رخ می‌دهد وارد اقتصاد نکرده است. نکته دوم، به عقیده این کارشناس اقتصاد اسلامی، این است که آن شخص با فروختن کالا پول موجود را گرفته است، نه پولی که الآن ایجاد می‌شود و قرار است به صورت قسطی به بانک برگردد و محو بشود؛ یعنی با این کار حجم نقدینگی تغییر نکرده، بلکه کالایی از یک مغازه گرفته شده، به مردم جامعه فروخته شده و پول‌های آن‌ها اخذ شده و سپس به همان مغازه‌ای که با اعتبار خود آن کالا را خریداری کرده بود پس داده شده است؛ بنابراین حجم نقدینگی تغییری نکرده و پول جدیدی وارد جامعه نشده است. در حالی که در خلق پول اعتبار جدیدی وارد بازار می‌شود و این اعتبار جدیدی که وارد بازار شده است به همان تناسب، چون کالایی به صورت جدی در مقابل آن تولید نشده است، باعث ایجاد تورم می‌شود و حجم نقدینگی را بیشتر و قدرت خرید مردم را کمتر می‌کند» (مبشری، ۱۳۹۸).

افزون بر آن به اعتقاد ما، در مسئله خلق پول اعتباری هم نگاه معیاری موضوعیت دارد و هم از نگاه موضوع‌شناسانه احکام فقهی آن قابل استخراج است. در نگاه معیاری اثر مثبت آن بر افزایش تورم و اثر منفی آن بر توزیع درآمد و ثروت مبرهن است و اقتصاددانان اثبات کرده‌اند که در خلق بی‌رویه پول اعتباری مفسده است. در نگاه موضوع‌شناسانه مسئله‌ای که این اندیشه‌وران باید به آن توجه کنند این است که بین اعتبار تعریف‌شده بالا و بین خلق اعتباری که بانک می‌کند تفاوت ماهوی است. زیرا، اعتبار واردشده در بحث مشارکت وجوه همان اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار است و بر همان اساس خرید و فروش می‌کنند و بانک‌ها برای دادن تسهیلات بر همین اساس اعتبارسنجی می‌کنند. اما خلق اعتباری که بانک می‌کند بدین معناست که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات‌گیرنده به‌گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی‌گوید: «برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن». بلکه بانک وانمود می‌کند این پول در بانک من وجود دارد، براین اساس شما برو و خریده‌های خود را انجام بده. چون بر اثر تجربه می‌داند که بعد از مدتی می‌تواند جایگزین کند. این در حقیقت از هیچ پول خلق می‌کند و در ترازنامه بانک این وام به‌صورت دارایی ثبت می‌شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند. برای تقریب به ذهن چک‌های صوری را مثال می‌زنم که دین اعتباری است. فقها نوعاً در دین واقعی جایز می‌دانند که چک تنزیل شود. زیرا، دین واقعی مال است. آقای الف نسبت به آقای ب یک طلبی دارد، این طلب به‌صورت چک است. می‌رود به سمت شخص ثالث، چون دین دین واقعی است، می‌رود تنزیل می‌کند. اما اگر شخص الف اعتباری در بازار دارد شخص ب چون دوستش است، می‌آید به شخص الف می‌گوید من صد میلیون تومان پول نیاز دارم، چه کار کنم؟ آقای الف می‌گوید من که این پول را ندارم اما در بازار اعتبار دارم. یک چک برایت می‌کشم، شما برو در بازار این چک را تنزیل کن. همه هم می‌دانند که چک این آقا در بازار معتبر است، می‌تواند تنزیل کند و کار این آقا هم راه بیفتد. حالا شخص ب بدهکار شخص الف است و در موعد توافق شده دین را تسویه می‌کند. همه فقها در اینجا می‌گویند، چون دین واقعی که مال است وجود ندارد، شما نمی‌توانید آن را تنزیل کنید. بنابراین در مورد چک‌های دوستانه، از این نظر که مالی وجود ندارد مشروع نیست. در اینجا بانک هم به‌واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می‌کنند، پولی را که وجود ندارد، با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته‌چک یا کارت اعتباری به او وانمود می‌کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ، از اینجا پدید می‌آید. لذا از حیث فقهی می‌توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست. زیرا، مالی

را که وجود ندارد برایش فرض وجود می‌کند. پس اگر در چک‌های صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و اکل مال به باطل است.^۱ پس این اندیشه که بانک حق انتشار پول اعتباری دارد باطل است (توسلی، ۱۳۹۷).

به خاطر حاکمیت این اندیشه بسیار ناصواب در چهار دهه گذشته و اجازه جولان دادن به بانک‌ها در دهه اخیر حجم نقدینگی به بیش از چند هزار هزار میلیارد تومان رسیده است و تورم شدید ناشی از آن هم اکنون بر نظام و مردم سنگینی می‌کند و نیز به خاطر وجود بازی در حال گسترش پانزی^۲ در نظام پولی و مالی کشور، که در آن بدهی‌ها و تعهدات به تعویق افتاده است و بازپرداخت آن‌ها به آینده موکول می‌شود، به زودی بحران ورشکستگی‌های عظیم بانک‌ها را هم در پیش رو خواهیم داشت.

۴. هدف اصلی در هر ترتیبی باید حفظ ارزش پول باشد

ریال، دلار، پوند و دیگر واحدهای پول، همانند متر، لیتر و کیلوگرم، مقیاس سنجش‌اند و بلکه مهم‌تر از همه آن‌ها هستند. لذا اختلال در آن‌ها مفاسدی، به مراتب بیشتر از اختلال در دیگر مقیاس‌ها، دارد، چنانچه همه به آن اذعان دارند. از این رو، خداوند در آیاتی از قرآن کریم به وفای به وزن و کیل امر کرده و از نقصان در آن‌ها نهی کرده است و در برخی از روایات، معصومان (علیهم‌السلام) افراد را از معامله با درهم مغشوشه بر حذر داشتند.

یکم: آیاتی که در آن‌ها امر به وفای وزن و کیل شده و از نقصان در آن‌ها نهی شده است.

۱. «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» (۱۸۱) وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲) (الشعراء).

۱. قواعد دیگر فقهی از قبیل قاعده لاضرر و قاعده اتلاف و قاعده المؤمنون عند شروطهم هم به منزله سنجه‌های دیگر بانکداری اسلامی قابل اقامه‌اند.

۲. ترنند پانزی، یا «شارلاتانیسم مالی»، عملیات سرمایه‌گذاری کلاهبردانه‌ای است که از آن طریق به جای اینکه سود طرح از محل سود واقعی حاصل شده پرداخت شود، از وجوه سرمایه‌گذاری شده اولیه یا جوهی که سرمایه‌گذاران بعدی پرداخته‌اند، سود به سرمایه‌گذاران قبلی پرداخت می‌شود. این بازی در بازار پول از طریق جذب سپرده‌های با نرخ سود بالاتر از سپرده‌های قدیمی، در بازار سرمایه از طریق انتشار انواع اوراق اسلامی از جمله اسناد خزانه اسلامی و در بازار بیمه از طریق پرداخت تعهدات و خسارات ناشی از بیمه‌نامه‌های گذشته خود از محل حق بیمه‌های دریافتی بیمه‌نامه‌های جدید رخ می‌دهد.

از مردم (آنچه می‌فروشید) سنگ تمام بدهید و از کم‌فروشی کناره‌گیرید. اجناس را با میزان صحیح (و ترازوی درست) بسنجید.

قرطبی در تفسیر الجامع لاحکام القرآن آورده که (و لا تكونوا من المخرسین) یعنی از وزن و کیل کم نکنید (قرطبی، ۱۹۸۵م، ج ۶: ص ۱۳۶).

۲. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء: ۳۵).
و هرچه را به کیل و یا وزن می‌سنجید تمام بی‌مایید (و کم نفروشید) و همه چیز را با ترازوی عدالت بسنجید که این کار بهتر و عاقبتش نیکوتر است.
۳. «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵).

حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.

۴. «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» (هود: ۸۴).
این آیه شریفه بعد از اینکه قوم شعیب را از کم‌فروشی در کیل و وزن بر حذر می‌دارد آن‌ها را توصیه به عدل و انصاف می‌کند و به عذاب سخت که نتیجه این کم‌فروشی است بیم می‌دهد و آن را موجب خیانت و فساد در زمین می‌داند.

۵. «وَ أَوْقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹).

هر چیزی را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان کم‌فروشی و نادراستی نکنید.
۶. «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزُّوهُمْ يَخْسِرُونَ (۳) (المطففين).

وای به حال کم‌فروشان، آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند آیا آن‌ها نمی‌دانند که (پس از مرگ برای مجازات) برانگیخته می‌شوند؟

در تمام این آیات خداوند مردم را به وفای به کیل و وزن امر کرده و از تقلب و کم‌فروشی در آن نهی کرده است، زیرا موجب رواج فساد و خیانت در زمین می‌شود. به فرمایش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۸۵ سوره اعراف، اگر خیانت از یک نفر صحیح باشد از همه صحیح

خواهد بود و خیانت همه معلوم است که اجتماع را به چه وضعی درمی آورد. در چنین اجتماعی مردم به انواع حيله و تقلب، سم مهلك را به جای دوا و جنس معيوب و مخلوط را به جای سالم و خالص به خورد همدیگر می دهند. وی در نهایت بیان می کند که نتیجه خیانت هم در دنیا نصیب آن ها می شود، چنانچه قوم شعيب در همین دنیا دچار عذاب سخت روز سایه بان شد، و هم در روز قیامت به حساب آن ها (کم فروشان) رسیدگی می شود و مجازات سخت می شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ص ۱۹۱).

از کثرت این نواهی و تکرار داستان زندگی قوم شعيب و سرنوشت شوم آن ها به خاطر کم فروشی در سور مختلف قرآن و اختصاص یک سوره قرآن به نام کم فروشان (المطففين) و سرزنش آن ها از طرف خداوند و وعده عذاب سخت برای عمل ننگینشان چنین استنباط می شود که خداوند سبحان در مورد حفظ امنیت اقتصادی و رعایت عدل و انصاف در معاملات اهتمام شدید می ورزد. پس اگر برهم زدن کیل و وزن این چنین موجب فساد و خیانت در زمین و مستوجب عذاب سخت در دنیا و آخرت می شود، چرا تخلف در عیار و برابری واحد پول، که معیار و مقیاس سنجش تمام ارزش های اقتصادی است، موجب فساد و مستوجب عذاب الهی نشود؟ بلکه این تقلب و تخلف مفاسدی به مراتب بیشتر از تقلب و تخلف در مقیاس کیل و وزن دارد.

دکتر شایر بعد از بیان این آیات می گوید: «این ملاک ها و معیارها تنها بر افراد منطبق نیست بلکه بر اجتماع و دولت نیز منطبق است و تنها منحصر به مقیاس های کیل و وزن متعارف نیست، بلکه همه مقیاس های ارزش را دربر می گیرد و چون پول مقیاس تمام ارزش های اقتصادی است هرگونه کاهش مستمر و مهمی در ارزش فعلی آن را می توان براساس قرآن به افساد در عالم تفسیر بکنیم؛ زیرا، این کاهش اثر بسیار بدی بر عدالت اجتماعی و مصالح عمومی می گذارد» (شایر، ۱۹۹۲: ص ۵۲).

دوم: در روایات معصومین (علیهم الصلوة والسلام) در نهی از معامله با دراهم مغشوشه (یک) مرحوم شیخ طوسی به سند معتبر از موسی بن بکر روایت می کند که گفت نزد موسی بن جعفر علیه السلام بودیم دینارهایی جلوروی آن حضرت بود، به یکی از آن ها نگاه کرد آنگاه آن را برداشت و دو نیمش کرد، سپس فرمود: «أَلْقِهْ فِي الْبَالُوعَةِ حَتَّى لَا يَبَاعَ شَيْءٌ فِيهِ غَشٌّ» این را در چاه بیندازید تا با چیزی که در آن غش و ناخالصی هست خرید و فروشی صورت نگیرد (الحرالعالمی، بی تا، ج ۱۲: ص ۲۹).

دو) تقلّب و غشّ و جنس را با مواد بی‌ارزش آمیخته کردن در قانون تجارت اسلام ممنوع و حرام است.

قال رسول الله: «مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا» و در حدیث دیگر می‌خوانیم که «نهی رسول الله (ص) أَنْ يَشَابَ اللَّبَنُ بِالْمَاءِ لِلْبَيْعِ» (همان: ص ۲۰۸).

از میان فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، شافعی اول فقیهی است که براساس این روایات از آثار توّم و کراهت ضرب دراهم مغشوشه از طرف امام مسلمین سخن به میان آورده است. نووی از وی چنین نقل می‌کند: «ضرب دراهم مغشوشه از طرف امام مسلمین مکروه است به خاطر حدیث صحیحی از رسول الله (ص) که فرمودند: «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا» و به خاطر اینکه بر این عمل افساد پول، اضرار به صاحبان حقوق و گرانی قیمت‌ها، فروپاشی ارزش‌ها و دیگر از مفاسد مترتب است» (النووی، بی‌تا، ج ۶، باب ۱۰).

برای انطباق روایات یادشده بر پول باید به این پرسش پاسخ دهیم که در نظام کنونی پولی ارزش پول چگونه تغییر می‌کند؟ براساس تحلیل «مال اعتباری»^۱ از ماهیت پول (توسلی، ۱۳۹۴: صص ۷۸-۸۴)، ارزش پول کنونی از دو منشاء سرچشمه می‌گیرد. یک ارزش اولیه که منشاء آن قانون است و به حکم قانون به آن داده می‌شود و یک ارزش ثانویه که منشاء آن کمیابی در برابر تولید ملی واقعی است که پس از انتشار خارجی برایش حاصل می‌شود. در صورتی که دولت بدون افزایش در تولید ملی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار گرداند، مفهومش این است که برابری ارزش واحد پول با معیار تعریف‌شده در قانون پولی را از بین برده و اصل پایبندی را زیر پا گذاشته است.^۲ ماهیت عمل عین کاهش عیار در مسکوکات فلزی است،

۱. براساس تحلیل توسلی «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و دیجیتالی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، هر یک دارای مراتبی از اعتبار است». در این تحلیل «پول‌های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی کنونی در همه مراتب اعتباری است». یعنی ذات پول کنونی عین اعتباری است و ارزش مبادله‌ای اولیه آن با جعل قانون به آن داده شده است. مقوم مثلیت در تحلیل مال اعتباری «حفظ برابری ارزش واحد پول با ارزش مقیاس اعتبار شده از طرف دولت‌هاست» (توسلی، ۱۳۹۴: صص ۷۸-۸۴).

۲. به گفته فریدمن (۱۳۷۵: ص ۲۹)، انتشار پول اضافه و بدون پشتوانه به‌وسیله دولت از همان زمان‌های قدیم به‌وسیله فرمانروایان کشورها از طریق جایگزینی نقره یا طلا یا فلزات دیگر رواج داشت و به این وسیله پایه پول را تغییر می‌دادند. بعدها پول کاغذی جانشین سکه‌ها با عیار پایین شد. در این دوران بانک‌های مرکزی با ثبت در دفاتر و با عنوان گمراه‌کننده «سپرده»، دولت‌ها را از همان مزایا با ابعاد بسیار وسیع‌تری برخوردار کردند. دولت‌ها هم از این پول‌های بدون پشتوانه برای تأمین هزینه‌ها یا بازپرداخت وام‌های خود استفاده می‌کردند. وی می‌گوید تأمین

بدون‌فرق، این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است و مشمول نهی آیات و روایات ذکرشده قرار می‌گیرد. تورّم یا کاهش ارزش پول ریشه در هر دو ارزش بیان‌شده دارد. هر مالی نقصان مقتضی خودش را دارد، مثلاً گلاب هرگاه با آب مخلوط شود مالیتش کاهش می‌یابد و این عمل که منجر به کاهش مالیت و ارزش شده ناشی از عامل نقص در ذات مال است و ضمان‌آور است. لذا می‌توان گفت پول کنونی که مال اعتباری است و از اجزای مثلی اعتباری برخوردار است، نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتبارکننده به‌وسیله سیاست‌های انبساطی پولی بی‌رویه با برهم خوردن اعتبار تثبیت‌شده در قانون حاصل می‌شود. لذا می‌توان دولت را مسئول این بخش از کاهش ارزش دانست. نتیجه همه این‌ها ضرر و تلفی است که از ناحیه حکومت متوجه تمام ریال‌های موجود، حتی ریال‌های در ذمه افراد حقیقی و حقوقی، می‌شود. براساس «نظریه مال اعتباری» پیش‌گفته، اساس پول پیمانی است بین دولت و ملت که مفاد آن تماماً در قانون پولی و بانکی، به‌منزله تنها سند اعتبار انجام‌شده در پول، آمده است. ید دولت ید امانی است و درصورت افراط و تفریط در حفظ ارزش پول مسئول و ضامن است. دولت حق انتشار پول ندارد. دولت حد انتشار پول دارد. مردم با اعتماد و به‌پشتوانه دولت است که پول‌های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی را در مبادلات اقتصادی خویش به‌کار می‌گیرند و گردش اقتصاد را تسهیل می‌کنند. اگر این اعتماد و اطمینان به دولت از بین برود، اقتصاد دچار بحران و هرج و مرج خواهد شد و از آن‌طرف هیچ چیز دیگری هم نمی‌تواند جای پول را بگیرد. پس دولت و حکومت موظف است، به‌خاطر و جوب وفا به تعهدی که در ماهیت اعتباری پول نهفته است و قانون پولی، بر حفظ ارزش آن تصریح کند و به‌خاطر حفظ مصالح ملت ارزش پول را (البته در حد معقول) ثابت نگه دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هم‌اکنون در سطح مجموعه نظام بحثی تحت عنوان تغییر و تحول در نظام بانکی ایران در جریان است. پرسش اساسی این است با کدام رویکرد و در چه سطحی می‌خواهیم این کار را انجام دهیم؟ آیا با همان رویکرد قانون بانکداری بدون‌ربای سال ۶۲ که تاکنون بر کشور حاکم بوده و در سطح اصلاحات رفرمیستی می‌خواهیم این تغییرات را انجام دهیم و بیش از آن را لازم نمی‌دانیم؟

مالی کسر بودجه دولت با انتشار پول جدید موجب کاهش ارزش پول می‌شود. در نتیجه اقتصاد با پدیده تورّم روبه‌رو خواهد شد (فریدمن، ۱۳۷۵).

یا می‌خواهیم رویکرد را تغییر دهیم و با رویکرد اسلامی و در سطح تحول اساسی و همه‌جانبه آن را به سرانجام برسانیم؟ مقدماتاً، دو ویژگی اصلی بانکداری متعارف غربی و اثرات آن‌ها بر توزیع ناعادلانه ثروت را یادآور شدیم؛ سپس توفیق قانون پولی و بانکی سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر را در دوری جستن از این دو ویژگی بررسی کردیم و نشان دادیم این قانون و اصلاحات پیشنهادی بعدی فقط به ویژگی ربوی بانک‌ها و بدون‌ربا کردن آن‌ها در قالب عقود مشروع و متنوع کردن آن‌ها برای تأمین اغراض سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات در بخش تجهیز و تخصیص منابع پرداخته و خلق پول اعتباری بانک‌ها را حق مسلم آن‌ها فرض کرده است. این در حالی است که آن ویژگی که بانک را بانک می‌کند همین خلق پول اعتباری است. آنگاه اجمالاً به این پرسش پرداخته شد که آیا بانکداری کنونی و اصلاحات اخیر، که ادعا می‌شود نه تنها بدون‌ربا بلکه اسلامی است، آیا واقعیت دارد؟ پاسخ این است که با همه تلاش‌های انجام‌شده در قانون بانکداری بدون‌ربای سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر ربا و شبهه هنوز از مسیرهای مختلف در بانکداری کنونی ایران حضور دارد. بانکداری اسلامی شاخصه‌هایی دارد که این قانون و اصلاحات اخیر از پس احراز و تأمین کامل همه آن‌ها بر نمی‌آید. دلایل حضور ربا و برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های بانکداری اسلامی را در معرض اندیشه‌وران قرار دادیم تا آن‌ها را ارزیابی کنند و در رد یا تکمیل آن‌ها نظراتشان را ابراز دارند، بلکه نتایج آن از شدت اختلاف نظرها بکاهد و نظام را در رسیدن به قانون پولی و بانکی قابل‌پذیرش حداکثری یاری رسانند. طراحی این نظام باید به‌گونه‌ای باشد که:

۱. ربا و شبهه ربا از ساحت آن به‌طور کامل زدوده شود؛
۲. از انباشت ثروت میان طبقاتی خاص جلوگیری کند و عادلانه به توده‌های مردم توسعه یابد؛
۳. حفظ ارزش پول در تمام ترتیبات نهادی و تقنینی هدف اصلی باشد؛
۴. قاعده عدم اکل مال به باطل بر تمام ترتیبات این نظام حاکم باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم. مترجم حسین انصاریان. ۱۳۹۳. تهران: سازمان دار القرآن الکریم، نشر تلاوت.
۲. احمدی، محمد حسین؛ حسینی، سید محمد. ۱۳۹۲. راه‌های شرعی سپرده‌گذاری در بانک‌ها. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۷۸. کتاب البیع. جلد ۲. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۸۶. ربا: پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۵. توسلی، محمد اسماعیل. ۱۳۹۴. تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. _____ . ۱۳۹۷. «آیا خلق پول اعتباری بانک‌ها «اکل مال به باطل» است؟»، خبرگزاری ایکن، ۲۹ بهمن ۱۳۹۷، کد خبر: ۳۷۹۱۰۹۳ [https://iqna.ir/fa/news/3791093]
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ الف. «پیام آیت‌الله جوادی آملی به همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین». خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه قم، ۱۸/۰۲/۱۳۹۳. [https://www.isna.ir/news/93021812342]
۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ ب. «تفاوت‌های توسعه کوثری با توسعه نکاثری از نگاه اسلام». [www.rajanews.com/news/190183] ۱۳۹۳/۰۷/۲۰. رجا نیوز.
۹. الحوالعاملی، شیخ محمد حسن. بی تا. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. حسینی دولت‌آبادی، مهدی. ۱۳۹۵. «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای بانکداری اسلامی». دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. سال هشتم. شماره دوم (پیاپی ۱۶). بهار و تابستان. صص ۱۷۳-۱۹۸.
۱۱. خاندوزی، سید احسان. ۱۳۹۷. «هم‌اکنون ۸۵ درصد ارزش سپرده‌های بانکی متعلق به ۲/۵ درصد سپرده‌گذاران است» خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۸۱۷۴۸۶، تاریخ انتشار: ۲۷ تیر ۱۳۹۷.

12. [https://www.tabnak.ir/fa/news/817486]

۱۳. خبرگزاری دانشجو. ۱۳۹۵. «۵۴ درصد درآمدهای یک بانک از جریمه دیرکرد!». کد خبر: ۵۸۶۶۳۷، تاریخ انتشار: ۲ اسفند ۱۳۹۷.
- درصد-درآمدهای-یک-بانک-از-جریمه-دیرکرد-۵۴/ <https://snn.ir/fa/news/586637/>
۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۳۷۴. پول در اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
۱۵. روحانی، سید علی؛ بنی طباطبائی، سید مهدی. ۱۳۹۵. آسیب‌شناسی نظام بانکی: ۷. نظارت شرعی بانک مرکزی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. روحانی، سید علی؛ کمیجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید. ۱۳۹۷. «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی، نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها». دوفصلنامه جستارهای اقتصادی. بهار و تابستان. شماره ۲۹. صص ۱-۳۰.
۱۷. شایرا، محمد عمر. ۱۹۹۲. «نحو نظام نقدی عادل». ترجمه سید محمد شکر. عمان: دارالبشیر للنشر و التوزیع. عمان، اردن.
۱۸. شفیعی مازندرانی، محمد. ۱۳۷۹. «وام و ربا در نگرش اسلامی». مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. شهنازی، روح‌اله؛ پناهی، مجتبی. ۱۳۹۵. «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز». مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی. سال پنجم. شماره ۱۶. پاییز.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۳۹۰. ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. _____ ۱۴۱۷. ق. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. فریدمن، میلتن. ۱۳۷۵. اقتصاد مکتب پولی. ترجمه دکتر مهدی تقوی و دکتر حسن مدرکیان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۳. قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱) (با اصلاحات سال‌های بعد). تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. القرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری. ۱۹۸۵. م. الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مبشری عارف، محمد. ۱۳۹۸. «نگاهی دوباره به ابعاد شرعی خلق پول». پژوهشکده پولی و

- بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 02/01/1398. 294320: کد. <https://www.mbri.ac.ir>.
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۷. «لایحه پیشنهادی قانون بانک مرکزی». به شماره و تاریخ ۹۷۰۴۳۱ (موجود نزد نویسنده مسئول).
۲۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷. یادداشت‌های استاد مطهری. ج ۴. تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. معصومی‌نیا، علی. ۱۳۹۶. «صوری بودن ۸۵ درصد قراردادهای بانکی». ۱۳۹۶/۰۷/۰۴. خبرگزاری تسنیم. [www.tasnimnews.com/fa/news/1396/07/04/1529545/]
۲۹. موسویان، سید عباس. ۱۳۹۶. «نشست بررسی مشروعیت خلق پول اعتباری در نظام بانکی»، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی. باز نشر: ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۹۶. خبرگزاری فارس. گروه اقتصاد. [<https://www.farsnews.ir/news/13961211000868>]
۳۰. موسویان، سید عباس. ۱۳۸۶. «نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال هفتم. شماره ۲۵.
۳۱. موسویان، سید عباس؛ میسمی، حسین. ۱۳۹۳. بانکداری اسلامی (مبانی نظری - تجارب عملی). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۲. موسویان، سید عباس؛ میسمی، حسین. ۱۳۹۶. بانکداری اسلامی (بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۳. نظرپور، محمد تقی؛ موسویان، سید عباس. ۱۳۹۳. بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه. قم: دانشگاه مفید.
۳۴. النووی، یحیی بن شرف. بی‌تا. المجموع شرح المهدّب. ج ۶، باب ۱۰، کتاب الزکاة، باب الزکاة الذهب والفضة. بیروت: دارالفکر.

